

ماهیت منحصر به فرد مشاوره‌ی مدرسه‌ی دوره‌ی راهنمایی

پاتریک آکوس^۱

ترجمه‌ی محسن سیفی (دانشجوی دکتری مشاوره)

کلید واژه‌ها: نوجوانی، مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی،
بلوغ، تصمیم‌گیری و انتخاب،
هویت

اشاره

هدف این مقاله بررسی رشد دوران اولیه‌ی نوجوانی، فلسفه‌ی وجودی مدارس دوره‌ی راهنمایی و چگونگی تأثیر این دو بر سازوکار مشاوره‌ی راهنمایی و الگوی ملی انجمن مشاوره در مدارس آمریکا است. مفاهیم بلوغ، شکل‌گیری هویت^۲ و گسترش دادن انتخاب‌ها در این مقاله مدنظر قرار گرفته است. دیدگاه انجمن ملی مدرسه‌ی راهنمایی درباره‌ی وضعیت مدرسه‌ی راهنمایی در سازوکار مشاوره‌ی مدرسه بررسی شده است. در نهایت، منحصر به فرد بودن مشاوره‌ی مدرسه‌ی دوره‌ی راهنمایی در چارچوب مدل ملی انجمن مشاوره‌ی مدرسه‌ی آمریکا، نشان داده می‌شود.

رشد دوران اولیه‌ی نوجوانی: دانش‌آموزان در حال تغییر

بعد از دوران نوزادی، هیچ مرحله‌ای از زندگی به اندازه‌ی دوران اولیه‌ی نوجوانی با رشدی این چنین بزرگ، سریع و متفاوت، همراه نیست (پرویت^۳، ۲۰۰۰). به‌طور سنتی، این مرحله از رشد به‌عنوان مرحله‌ی طوفان و استرس شناخته می‌شود (فروید، ۱۹۶۹). در واقع، این مرحله از نظر خطر کردن و شکستن مرزها، تا حدی شبیه مرحله‌ی به‌راه افتادن در رشد کودک است. اگرچه برخی از خطرهایی که دانش‌آموزان مدرسه‌ی راهنمایی می‌کنند (مانند مصرف مواد مخدر، الکل، کشیدن سیگار و مسائل جنسی) عواقب شدیدتری را در پی خواهد داشت.

چالش‌های بی‌شماری در دوران اولیه‌ی نوجوانی وجود دارد. در واقع انتقال از دوره‌ی کودکی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی می‌توانند
با به‌وجود آوردن محیطی پاسخگو در
مدرسه‌ی راهنمایی نیازهای رشدی
دانش‌آموزان را برآورده سازند

به نوجوانی که مبتنی بر سن است، تعاملی پیچیده میان تغییرات درونی (مانند خودکاو و گسترش عقلانی) و تعامل با محیطی جدید و در حال تغییر (مانند ابتدایی به راهنمایی و به دبیرستان، و تعامل همسالان) است. این تغییرات هم‌چنین فرصت‌های جالبی را فراهم می‌کند. دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی به برنامه‌ریزی و آرمانی بودن، گرایش پیدا می‌کنند؛ حوزه‌های مبهم در بحث‌های اخلاقی را بررسی می‌نمایند و می‌توانند ساختارهای اجتماعی مهم و پیچیده را بسازند. اگرچه بررسی کامل رشد دوران اولیه‌ی نوجوانی فراتر از این مقاله است، ولی درک پدیده‌های رشدی برای کاربردی‌ترین مؤثر مشاور مدرسه‌ی راهنمایی، ضروری است. نیروهای رشدی در دوران اولیه‌ی نوجوانی (بلوغ، رشد هویت و افزایش در انتخاب‌های خودمختارانه) برای نشان دادن تأثیر منحصر به فردشان بر کاربردی‌ترین مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بلوغ

در طول دوران بلوغ، نوجوانان با شماری از تغییرات هورمونی و جسمانی روبه‌رو می‌شوند. عدم توازن میان سطوح بلوغ آن‌ها و آنچه در بدن خود احساس می‌کنند، اغلب موجب سردرگمی می‌شود. بلوغ با تغییرات وسیعی در رشد همراه است که دربرگیرنده‌ی نظام‌های تولیدمثل، افزایش قد و وزن و سایر تغییرات جسمانی جدید (مانند موی شرمگاهی و تغییر صدا) می‌باشد. (پرویت، ۲۰۰۰). از آنجایی که هیچ‌گاه دو انسان دارای الگوی رشدی یکسان نیستند، مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی در درک این‌که فرایند رشد متنوع است، با چالش روبه‌رو هستند. در واقع، تعیین نتایج براساس



شپوهنگامه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

استانداردهای ملی برای برنامه‌های مشاوره‌ی مدرسه (کمپیل و داهیر، ۱۹۹۷) به دلیل این پراکندگی، و رشد سریع که دانش‌آموزان با آن مواجه‌اند، چالش‌برانگیزتر می‌شود. این چالش‌ها همچنین بر مداخلات نیز تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، جلسات مشاوره‌ی فردی مستلزم آگاهی از این امر است که رشد شناختی-اخلاقی و هیجانی دانش‌آموز چگونه بر توانایی او برای برقراری ارتباط تأثیر می‌گذارد. اگرچه ممکن است راهبردهای شناختی رفتاری در بررسی فراشناخت (مانند تنظیم و فکر کردن در مورد تفکر خود)

نوجوانان برای کشف هویت خود تلاش می‌کنند و با وجود این می‌دانند، آن‌ها جزئی از یک گروه اجتماعی هستند (کوب، ۲۰۰۱). در این دوره نوجوانان با افزایش رقابت با همسالان مواجه می‌شوند و از این‌که عقب بیافتند یا ناهنجار تلقی شوند، دچار هراس می‌گردند

برای برخی دانش‌آموزان مناسب باشد، ولی حل کردن تعارضات برای سایر دانش‌آموزان مستلزم، کنترل‌های رفتاری ملموس‌تر است. به‌طور کلی دختران یک تا دو سال زودتر از پسرها به بلوغ می‌رسند، و در برخی از فرهنگ‌ها (مانند آفریقای-آمریکایی‌ها) بلوغ، زودتر آغاز می‌شود (دیویس^۶ و تامپسون^۷، ۲۰۰۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند پسرانی که سریع‌تر رشد می‌کنند، در زمینه‌های ورزش و بازشناسی اجتماعی ممتاز هستند، درحالی‌که دختران با رشد سریع‌تر، بیشتر مورد توجه همسالان خود قرار می‌گیرند (ایکلس^۸، ۱۹۹۹). هرگونه انحراف از هنجار، چه رشد سریع‌تر و چه کندتر از سایر همسالان، می‌تواند به ناسازگاری روانی اجتماعی منجر شود (ویسنر و ایتل، ۲۰۰۲). بنابراین، مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی باید اهمیت فرهنگ و زمان‌بندی در رشد را درک کنند. مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی می‌توانند به‌طور عمیق به بررسی وضعیت روانی و اجتماعی دانش‌آموزانی بپردازند که دارای بلوغ زودرس یا دیررس هستند. مشاوران با مربیان پرورشی می‌توانند بستری را برای آموزش روانی فراهم کنند و همچنین به دانش‌آموزان کمک نمایند تا چگونگی تأثیر بلوغ بر عملکرد

روزانه‌ی آن‌ها، گروه‌های همسال و صمیمیت و شکل‌گیری هویت آن‌ها را درک کنند. به اعتقاد آکوس^۹ و لویت^{۱۰} (۲۰۰۲)، ارتقای تصویر بدن سالم یکی از اهداف مرتبط با برنامه‌های مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی است، و می‌تواند به عنوان عاملی حمایتی در رشد اولیه‌ی نوجوانی مؤثر باشد. همچنین مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی باید در مورد چگونگی بیان این رشد و تغییرات به‌صورت مثبت (مانند توانایی ورزش) و یا منفی (مانند آزار جنسی) هشیار باشند.

شکل‌گیری هویت

در طول دوران بلوغ، هویت در حال شکل‌گیری، یکی از مهم‌ترین مسائل نوجوانان می‌شود. نظریه‌ی روانی اجتماعی اریکسون، دوران اولیه‌ی نوجوانی را به‌عنوان حرکتی به سوی سخت‌کوشی و هویت (در مقابل احساس حقارت و آشفتگی نقشی) توصیف می‌کند (کوب^{۱۱}، ۲۰۰۱). مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی باید با مدیر و کارکنان مدرسه به‌منظور افزایش توانایی دانش‌آموزان برای کشف استعدادها و زمینه‌های پیشرفت در برنامه‌های آموزشی مانند موسیقی، هنر، تکنولوژی و کلاس‌های رشد شغلی، گفت‌وگو کنند. همین‌طور، درگیر شدن در فعالیت‌های فوق‌برنامه با نتایج مهم رشدی (احساس تعلق و پیوستگی) و تحصیلی (نمرات بالاتر) همبستگی مثبتی دارد (اکوس، ۲۰۰۵؛ اکیس و تمپتون، ۲۰۰۲؛ ماهونی^{۱۲}، کایرنس و فارمر، ۲۰۰۳)، و در به‌وجود آوردن توانایی جهت رشد در زمینه‌های مورد علاقه بسیار مؤثر است. همچنین سخت‌کوشی و هویت در تعامل با سایر جنبه‌های محیط مدرسه (مانند گروه‌های همسالان) ارتقا می‌یابند.

نوجوانان برای کشف هویت خود تلاش می‌کنند و با وجود این می‌دانند، آن‌ها جزئی از یک گروه اجتماعی هستند (کوب، ۲۰۰۱). در این دوره نوجوانان با افزایش رقابت با همسالان مواجه می‌شوند و از این‌که عقب بیافتند یا ناهنجار تلقی شوند، دچار هراس می‌گردند. تا حدی، همسالان می‌توانند به رشد احساس صمیمیت یا پیوستگی و توانمندی اجتماعی کمک کنند. مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی می‌توانند با استفاده از همسالان به‌عنوان مشاور از اهمیت رشدی آنان برای کمک به شکل‌گیری هویت‌های مثبت

کمک بگیرند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، نوجوانانی دارای عملکرد بهتر تحصیلی هستند که اهداف متمایل به پیشرفت بیش‌تری دارند و بیش‌تر به آینده فکر می‌کنند (زیرکل، ۲۰۰۲). برنامه‌ریزی همسالان (مانند واسطه‌گری^{۱۳} همسالان، آموزش همسالان و نمایندگان همسالان در برنامه‌های انتقالی) به‌ویژه برای مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی می‌تواند مؤثر باشد، زیرا هم می‌تواند استفاده‌ی مثبت از فشار همسالان را گسترش دهد و هم بر هویت تأثیرگذار باشد.

مشاوران مدرسه‌ی مشاوران می‌توانند در زمینه‌ی نقش‌های مختلف و هویت‌های در حال رقابت دانش‌آموزان به والدین آموزش دهند. همچنین یافتن راه‌هایی برای بررسی چگونگی تأثیر این تجربیات و انتخاب‌ها بر احساس شایستگی‌ها و سؤال‌های آن‌ها در مورد این‌که چه کسی خواهند شد؛ برای مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی ضروری است.

انتخاب‌های جدید و مهم

انتخاب کردن، بخشی از تلاش نوجوانان برای کسب صلاحیت و هویت است و این نیرویی زیست‌شناختی یا روانی-اجتماعی نیست. دانش‌آموزان در تمامی سطوح انتخاب می‌کنند، ولی دانش‌آموزان مدرسه‌ی راهنمایی اغلب، برای اولین بار، انتخاب‌هایی مستقل و خودمختار می‌نمایند، که تا حد قابل ملاحظه‌ای مسیرهای رشد را می‌توانند شکل دهند. تمایل به انتخاب‌های مستقل و مسئولیت بیشتر، رشد محسوب می‌شود. این زمانی است که نوجوانان تلاش می‌کنند از والدین خود متمایز شوند، و باید به انتخاب‌هایی که در محیط جدید مدرسه راهنمایی با آن مواجه می‌شوند، پاسخ دهند. مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی باید مهارت‌های حل مسأله را ارتقا دهند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا منابع مفیدی را برای انتخاب کردن تعیین کنند.

فلسفه‌ی مدرسه‌ی راهنمایی پاسخ‌گو^{۱۴}

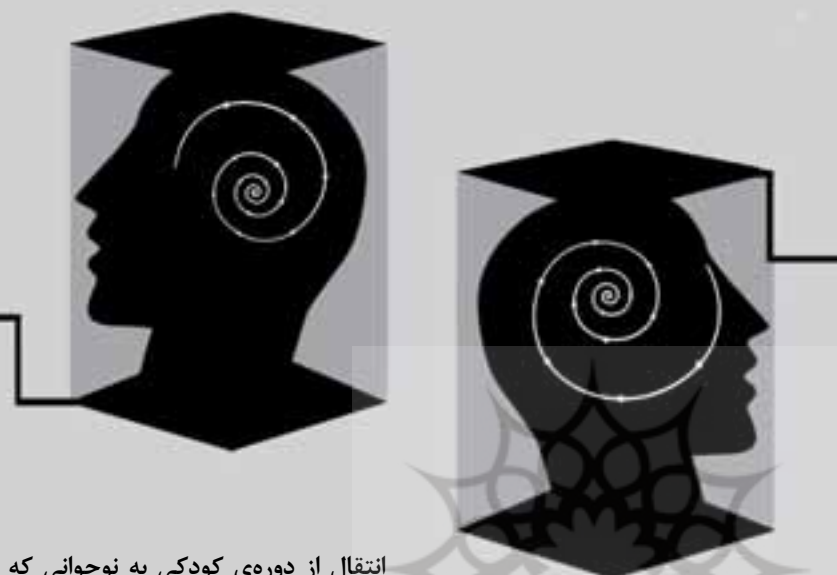
براساس ماهیت چالش‌برانگیز دوران اولیه‌ی نوجوانی و نیاز به محیطی که از این منحصر به فرد بودن حمایت کند، انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد، و فلسفه‌ی جدیدی را با شعار «این اعتقاد ماست»^{۱۵} (۱۹۸۲) ارائه کرد. این نسخه در سال (۱۹۹۵) مورد بازبینی

مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی در درک این‌که فرایند رشد متنوع است، با چالش روبه‌رو هستند

قرار گرفت. جدول شماره‌ی یک مهم‌ترین رئوس این فلسفه را نشان می‌دهد. این موارد شامل عقاید فرهنگی و ساختارهای برنامه‌ای که پاسخ‌گوی نیازهای رشدی نوجوانان است، می‌باشد.

به اعتقاد انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی، برای این‌که این مدارس توفیق یابند، باید دانش‌آموزان موفق داشته باشند؛ برای این‌که دانش‌آموزان موفق داشته باشیم، سازمان، برنامه‌های درسی، آموزش و برنامه‌های مدرسه باید مبتنی بر آمادگی، نیازها و علایق رشدی نوجوانان باشد. اگرچه نوجوانان در دوران اولیه‌ی نوجوانی پرتوقع هستند، ولی مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی می‌توانند با به‌وجود آوردن محیطی پاسخگو در مدرسه‌ی راهنمایی نیازهای رشدی دانش‌آموزان را برآورده سازند. بیشتر مشاوران مدرسه در مورد رشد فردی آموزش دیده‌اند، ولی رشد محیطی (بروفرن برنو، ۱۹۷۹) یا تعامل و استقلال خود و خرده‌نظام‌های متنوع (مانند گروه‌های همسالان، کلاس درس، مدرسه و خانواده) به همان اندازه برای مشاوران مدارس راهنمایی ضروری است. در واقع کیز و کوکارت (۱۹۹۹) برنامه‌هایی را برای ارزیابی محیطی و مداخله‌ی چندنظامی برای مشاوران مدرسه به‌وجود آورده‌اند که از مداخله‌ی غیرمستقیم برای کنترل محیط به‌منظور کمک به دانش‌آموزان استفاده می‌کند.

یکی از مهم‌ترین پیشنهادهای انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی^{۱۶} (۲۰۰۳) برای مشاوران مدرسه، راهنمایی چندجنبه‌ای^{۱۷} و خدمات حمایتی است. راهنمایی کلاس درس (شامل برنامه‌های مشورتی و حمایت‌کننده)، راهنمایی یک‌به‌یک و گروه‌های کوچک، واسطه‌گری و آموزش همسالان، مشورت با معلمان و والدین و تسهیل برنامه‌های انتقالی برای بخش راهنمایی چندجنبه‌ای و خدمات حمایتی ضروری‌اند (انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی). «مشاوران مدرسه، خدمات حمایتی نظام مدرسه را هماهنگ می‌کنند و مؤثرترین نحوه‌ی استفاده از متخصصانی هم‌چون روان‌شناسان مدرسه، مددکاران و گفتار‌درمانگران را تعیین می‌کنند». انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه، هم‌چنین عملکردهای غیرمشاوره‌ای^{۱۸} را رد می‌کند و متذکر می‌شود که «مشاوران، متخصصانی مهم با مهارت‌های مردم‌گرا هستند و نباید مسئولیت‌های مدیریتی یا



انتقال از دوره‌ی کودکی به نوجوانی که مبتنی بر سن است، تعاملی پیچیده میان تغییرات درونی (مانند خودکاوی و گسترش عقلانی) و تعامل با محیطی جدید و در حال تغییر (مانند ابتدایی به راهنمایی و به دبیرستان، تعامل همسالان) است

مشاوران این مدارس باید با همکاران مشاور در مدارس ابتدایی، جهت فراهم نمودن زمینه‌ی مناسب برای انتقال دانش‌آموزان به این دوره، در آماده نمودن آن‌ها و والدینشان همکاری و مشارکت نمایند و به‌منظور کمک به مرتبط کردن و درگیر نمودن دانش‌آموزان، برنامه‌های جهت‌دهی ترتیب دهند. نگرانی‌های سازمانی، تحصیلی و اجتماعی که به‌وسیله‌ی پژوهشگران (آکوس، ۲۰۰۲؛ آکوس و گالاسی، شوماخر^{۱۹}، ۱۹۹۸) درباره‌ی انتقال به مدرسه‌ی راهنمایی عنوان شده است با استانداردهای ملی هماهنگ هستند (کمپیل^{۲۰} و داهیر، ۱۹۹۷). ویگفیلد^{۲۱}، لوتز^{۲۲} و واگنر^{۲۳} به بررسی نقش مشاور مدرسه‌ی راهنمایی در افزایش انگیزش دانش‌آموزان و ارتقای روابط بزرگ‌سالی مثبت در انتقال به مدرسه‌ی راهنمایی پرداخته‌اند.

گزارشی به آن‌ها محول شود». گزارش دانش‌آموزان با انتقال از مدرسه‌ی ابتدایی به راهنمایی وارد محیطی جذاب می‌شوند. انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه (۲۰۰۳) بر روی برنامه‌های انتقال که دربرگیرنده‌ی برنامه‌ریزی‌های شغلی و آموزشی جامع می‌باشد، تأکید می‌کند؛ برنامه‌هایی که برای مرتبط کردن دانش‌آموزان با مدرسه‌ی راهنمایی و آماده کردن آن‌ها برای دشواری‌های دبیرستان به‌وجود آمده‌اند. مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی باید به‌عنوان مدافعان و رهبران برنامه‌های انتقالی خدمت کنند (آکوس، ۲۰۰۳؛ آکوس و گالاسی، ۲۰۰۴). این نقش ویژه هم برای مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی منحصر به فرد است و هم در به‌وجود آوردن محیطی جذاب در مدرسه‌ی راهنمایی، حیاتی است.

افزون بر این، برنامه‌های مشورتی و گروه‌بندی به منظور ارتقای روابط بزرگ‌سالی مثبت و محیطی حمایتی در مدرسه‌ی راهنمایی به کار می‌روند. برنامه‌های مشورتی به دنبال بهبود ارتباط معلم - دانش‌آموز، ارتقای رشد اجتماعی و

جدول شماره ۱. دیدگاه انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی برای مدرسه‌ی راهنمایی موفق

- انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه به این موارد معتقد است:
- ویژگی‌های مدارس موفق برای نوجوانان عبارت‌اند از:
 - مربیانی که برای کار کردن با این گروه سنی ارزش قائل هستند و آمادگی انجام آن را دارند.
 - رهبری شجاعانه و مشارکتی.
 - دیدگاهی مشترک که به تصمیمات جهت می‌دهد.
 - محیطی جذاب، حمایتی و امن.
 - انتظارات بالا برای هریک از اعضای اجتماعی در حال یادگیری.
 - دانش‌آموزان و معلمان درگیر در یادگیری فعال.
 - بزرگ‌سالی که از هریک از دانش‌آموزان دفاع کند.
- بر این اساس مدارس موفق باید بتوانند این زمینه‌ها را فراهم نمایند:
- برنامه‌ای درسی که مرتبط، چالش‌برانگیز، منسجم و اکتشافی باشد.
 - رویکردهای یادگیری و آموزش متنوع که به تنوع آن‌ها پاسخ می‌دهد.
 - برنامه‌های ارزیابی و ارزشیابی که یادگیری کیفی را ارتقا می‌دهد.

فعالیت‌های مشورتی عبارتند از: بحث کردن با دانش‌آموزان در رابطه با مشکلات، ارائه‌ی اطلاعات شغلی و راهنمایی، گسترش اعتماد به نفس و رهبری دانش‌آموزان و بحث کردن در مورد مسائل درسی (مک ایور^۶، ۱۹۹۰، ص ۴۵۹). به اعتقاد جکسون و دیویس (۲۰۰۰)

مشورت به معنای مشاوره‌ی فردی فشرده نیست، ولی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ارائه برنامه‌های راهنمایی و احتمالاً منبعی ارجاعی برای مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی به کار رود.

گروه‌بندی نیز، همانند مشورت، می‌تواند به فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر برای به‌وجود آوردن روابط معنادار میان دانش‌آموزان و معلمان کمک کند. گروه‌های

تدریس در مدارس راهنمایی معمولاً شامل دو یا چهار معلم است که تمام مسائل اصلی را به گروه کوچکی از دانش‌آموزان درس می‌دهند. با قرار دادن معلمان و دانش‌آموزان در گروه‌ها، مدارس راهنمایی می‌توانند اجتماعات یادگیری کوچکتری بوجود آورند که با نتایج بهتر (مانند موفقیت بیشتر و افزایش احساس تعلق) مرتبط است (فاربر^۷، ۱۹۸۸). جکسون و دیویس (۲۰۰۰) معتقدند که گروه‌ها می‌توانند، خانهای روان‌شناختی برای دانش‌آموزان فراهم کنند که به وابستگی گروه همسالان کمک می‌کند و ساختاری برای تدریس مؤثر به معلمان ارائه می‌دهد.

مفاهیم منحصر به فرد دیگری نیز در فلسفه‌ی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی وجود دارد که باید به‌وسیله‌ی مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی برای ارتقای رشد نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد. یادگیری فعال و برنامه‌ی درسی اکتشافی، همان‌طور که پیشتر اشاره شد، روش‌هایی آرمانی برای کمک به دانش‌آموزان در گسترش احساس شایستگی و رشد هویت هستند. هر دوی آن‌ها این فرصت را برای دانش‌آموزان فراهم می‌نمایند که انتخاب کنند، یادگیری متقابل را تجربه نمایند و ارزش شغلی بالقوه داشته باشند (انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه، ۲۰۰۳). مشاوران مدرسه‌ی

راهنمایی می‌توانند رشد شغلی را به‌عنوان بخشی از برنامه‌ی درسی اکتشافی رهبری کرده یا به‌طور مشارکتی تدریس کنند. حتی درگیری والدین، در حالی که در تمام سطوح مدرسه مطلوب است، در مدرسه‌ی راهنمایی ضروری‌تر می‌باشد. در مجموع، مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی می‌توانند از مفاهیم اصلاح مدرسه‌ی راهنمایی حمایت کنند (مانند، گروه‌ها، مشورت‌دهی و یادگیری فعال) که از نظر رشدی، پاسخگو هستند و یک برنامه‌ی مشاوره‌ی مدرسه‌ی جامع را تکمیل می‌کنند. این امر، نشان می‌دهد که کاربرد مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی، نیازمند اصلاح آموزشی وسیع‌تری است و مشاوره‌ی مدرسه را به‌عنوان بخشی جدا نشدنی از برنامه‌ی آموزشی مطرح می‌کند (انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه، ۲۰۰۳).

کاربست پاسخگو؛ مدل ملی انجمن ملی مشاوره‌ی مدرسه برای مدرسه‌ی راهنمایی

مفاهیم زیادی در رابطه با رشد دوران اولیه‌ی نوجوانی و فلسفه‌ی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی مطرح شد، ولی در گسترش و اجرای برنامه‌های جامع مشاوره‌ی مدرسه، در آن‌ها باید به این موارد نیز توجه کرد.

مبنا

اجزای اصلی یک مبنا در مدل ملی انجمن مشاوره‌ی مدرسه‌ی آمریکا (۲۰۰۳) عبارتند از: عقاید و فلسفه، بیان یک وظیفه و استانداردهای ملی انجمن مشاوره‌ی مدرسه‌ی آمریکا (کمپبل و داهیر، ۱۹۹۷). اصول و عقایدی که برنامه‌ی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی را هدایت می‌کند مبتنی بر موقعیت منطقه و مدرسه است. هم فلسفه‌ی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی (جدول شماره ۱) و هم توصیه‌های انجمن مشاوره‌ی مدرسه، اصول مبنایی مشترکی برای برنامه‌ی مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی ارائه می‌کنند. سپس، این اصول باید با عقاید و فلسفه‌ی رشد دوران اولیه‌ی نوجوانی (مانند، ناهمگنی^۸، رشد، ارتباط شایستگی و هویت و حمایت از نیازهای خودمختاری دانش‌آموزان) ترکیب شوند.

با پیروی از این عقاید و اصول راهنما، ارائه‌ی مدلی که مقصود اهداف برنامه را توصیف می‌کند،

هیجانی و به‌وجود آوردن احساس تعلق و توجه است (گالاسی، گولچ و کوکس، ۱۹۹۸). مرداک^۹ و میلر^{۱۰} (۲۰۰۳) دریافتند که روابط بهتر معلم - دانش‌آموز، موجب افزایش انگیزه در دانش‌آموزان کلاس سوم راهنمایی می‌شود. آن‌ها حتی معتقد بودند که رابطه‌ی مثبت، میان یک دانش‌آموز و معلم می‌تواند به جبران فقدان حمایت آموزشی از دانش‌آموزان و خانواده کمک کند (اگرچه دریافت حمایت از همه مطلوب‌تر است). در عمل، به دلیل تنوع برنامه‌های مشورتی جمع‌بندی‌های کلی در مورد این تأثیرات محدود می‌باشد؛ با وجود این، به نظر می‌رسد در مورد اهمیت به‌وجود آوردن روابط بزرگ‌سال - دانش‌آموز هم‌رأی هستند.

گالاسی و همکاران (۱۹۹۸) معتقدند که مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی می‌توانند به‌عنوان راهنما، مشورت‌دهنده، مربی، ناظر یا رهبر برنامه‌های مشورتی به فعالیت بپردازند. هر کدام از این نقش‌ها دارای مزایا و معایبی است، ولی مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی باید آشکارا به حمایت از برنامه‌های مشورتی بپردازند. آن‌ها همچنین می‌توانند با کمک کردن به مشورت‌دهندگان در درک ماهیت رشد دانش‌آموزان و به‌وجود آوردن یک برنامه‌ی درسی یا فعالیت‌های مناسب از نظر رشدی در آغاز کردن و تداوم برنامه‌های مشورتی، به مدرسه‌ی راهنمایی کمک کنند. نمونه‌های

ضروری است. مطمئناً، تلاش‌های مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی به‌طور کامل مورد پذیرش هستند و زمانی دارای ارزش بیشتری است که با تمرکز بر روی موفقیت تحصیلی هماهنگ باشند. از آن‌جایی که دانش‌آموزان مدارس راهنمایی در معرض کاهش موفقیت‌های تحصیلی هستند، این امر دارای اهمیت بیشتری است (یک^۹، ۲۰۰۳). مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی به‌طور مستقیم برنامه‌های تحصیلی را دریافت نمی‌کنند، ولی باید به نتایجی که با یادگیری دوران اولیه‌ی نوجوانی مرتبط است توجه داشته باشند. به‌عنوان مثال، انگیزش تحصیلی و یادگیری خودگردان^{۱۰} (لاپان، کارداش و ترنر، ۲۰۰۲) بسیار ضروری است و می‌تواند بوسیله‌ی مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی تحت تأثیر قرار گیرند.

نظام توزیع^{۱۱}

مبنایی که براساس ارتقای رشد مطلوب بنا شده است، ساختار منحصربه‌فردی را به فعالیت‌ها و روش‌های سازوکار مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی تحمیل می‌کند. اگرچه الگوی ملی انجمن مشاوره‌ی مدرسه‌ی آمریکا (۲۰۰۳) یک توزیع زمانی را برای مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی پیشنهاد می‌نماید که براساس آن ۲۵ تا ۳۰ درصد برای برنامه‌های راهنمایی، ۱۵ تا ۲۵ درصد برای برنامه‌های فردی دانش‌آموزان، ۳۰ تا ۴۰ درصد برای خدمات پاسخگویی و ۱۰ تا ۱۵ درصد برای حمایت از نظام اختصاص می‌یابد، این‌ها می‌توانند برای متناسب بودن با رشد دوران اولیه‌ی نوجوانی و آموزش مدرسه‌ی راهنمایی تغییر یابند. به‌عنوان مثال، اگرچه مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی به توسعه‌ی یک برنامه‌ی راهنمایی کمک می‌کنند، ولی این امر بوسیله‌ی سایر کارکنان مدرسه نیز از طریق برنامه‌های مشورتی قابل دستیابی است. همچنین می‌توان برنامه‌های راهنمایی را به جای کلاس درس برای گروه‌ها اجرا کرد. مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی هم‌چنین می‌توانند برنامه‌های راهنمایی را در یک کلاس اکتشافی در مورد رشد شغلی ارائه کنند.

سایر مسائل در مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی

ممکن است مبنا و نظام توزیع در مدرسه‌ی

راهنمایی منحصربه‌فرد باشد، الگوی ملی انجمن مشاوره‌ی مدرسه‌ی آمریکا (۲۰۰۳) شامل اجزایی است (مانند نظام‌های مدیریتی و مسئولیت) که الزاماً منحصربه‌فرد نیستند یا فاقد شواهد کافی برای ارائه‌ی پیشنهادهای قوی هستند. به‌عنوان مثال، بخشی از الگوی ملی انجمن مشاوره‌ی مدرسه‌ی آمریکا مربوط به گمارش مشاور است. مشاوران معمولاً در مدارس راهنمایی به‌عنوان یک گروه کار می‌کنند (معمولاً دو یا سه مشاور). متأسفانه پژوهشی در مورد این که کدام گمارش مؤثرتر است، وجود ندارد.

همین‌طور، انجمن مشاوره‌ی مدرسه‌ی آمریکا (۲۰۰۳) توصیه می‌کند که هشتاد درصد از وقت مشاور به ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان به‌منظور تأمین نیازهای آن‌ها و بازداشتن مشاوران از فعالیت‌های غیرمشاوره‌ای اختصاص یابد. با توجه به رشد دوران اولیه‌ی نوجوانی، به نظر می‌رسد که برنامه‌های همسالان در مدرسه‌ی راهنمایی ضرورت بیشتری می‌یابد، و موجب افزایش خدمات غیرمستقیم از طریق همکاری با برنامه‌های مرتبط با همسالان می‌شود. درواقع، انجمن مشاوره از واسطه‌گری همسالان و گروه‌های حمایتی همسالان به عنوان ابزاری برای بوجود آوردن محیطی سالم و امن در مدرسه حمایت می‌کند (جکسون و دیویس، ۲۰۰۰).

در مجموع، مشاوره‌ی مدرسه‌ی راهنمایی، مستلزم طراحی و اجرای منحصربه‌فرد برنامه‌ی جامع مشاوره‌ی مدرسه است. هم‌چنین لازمی مشاوره‌ی مدرسه، پژوهش‌های پیوسته‌ای است که نظام‌های توزیع مؤثر یا مطلوب، نظام‌های مدیریتی و کاربست را برای دوران اولیه‌ی نوجوانی تعیین می‌کند.

سخن پایانی

ساده‌انگاره خواهد بود اگر فرض کنیم که تمام مدارس راهنمایی از نظر رشدی، پاسخگو هستند و فلسفه‌ی مدرسه‌ی راهنمایی را به‌طور کامل اجرا کرده‌اند. اگرچه برخی پژوهش‌ها (فلنر و همکاران، ۱۹۹۷) نشان داده‌اند که دانش‌آموزان مدارس راهنمایی که برنامه‌های مدرسه‌ی راهنمایی را اجرا کرده‌اند نتایج بهتری گرفته‌اند، سایر پژوهش‌ها (بران، رونی و آنافرا، ۲۰۰۳) نتایج بهتر را به عوامل سازمانی مختلف نسبت

داده‌اند. مشاوران مدرسه‌ای که به نوجوانان خدمت می‌کنند این فرصت را در اختیار دارند که نظام‌های مختلف را در مدرسه اجرا کنند (مانند گروه‌های تدریس) و مسئولیت به‌وجود آوردن کاربست‌های مناسب برای ارتقای رشد و موفقیت مطلوب در دانش‌آموزان را برعهده بگیرند.

در حالی که دوران اولیه‌ی نوجوانی چالش‌های رشدی بی‌شماری را فراروی می‌نهد، هم‌چنین خانواده‌ها و متخصصان مدرسه را که با آن‌ها کار می‌کنند نیز به چالش می‌کشد. مشاوران مدرسه‌ی راهنمایی این فرصت منحصربه‌فرد را در اختیار دارند تا برنامه‌های جامع مشاوره‌ای را با تمرکز بر رشد دوران اولیه‌ی نوجوانی، در محیطی پاسخگو اجرا کنند.

پی‌نوشت

1. Patrick Akos
2. puberty
3. identity
4. American School Counseling Association (ASCA)
5. Pruitt
6. Davis
7. Tompson
8. Ikles
9. Akos
10. Levitt
11. Cob
12. Mahoney
13. Mediation
14. responsive
15. this we believe
16. National Middle School Association (NMSA)
17. multifaceted
18. non-counseling
19. Schumakher
20. Campbell
21. Wigfield
22. Lutz
23. Wagner
24. Merdock
25. Miller
26. Mac Iver
27. Farber
28. heterogeneity
29. Yecke
30. self regulated
31. delivery

منبع

Akos, P. (2005). The Unique Nature of Middle School Counseling. Professional School Counseling. 9, 95-1 03.